

نگاه

بربادرفته

ستوان یکم سمانه مهریانی*

● باد سرد پاییزی که صورتش را سوزاند، به خود آمد و دید مدتی است وسط کوچه مردد ایستاده است. خواست برگردد و از تصمیمی که در سر داشت صرف‌نظر کند، اما به یاد زندگی مشترک با داوود و آرزوهای چندساله‌اش که افتاد، دوباره مصمم به‌سمت خانه داوود رفت تا تنها مانع برسر راه خوشبختی با عشق دیرینه‌اش را از میان بردارد. نیمه مهرماه بود که خبر قتل زنی در حوزه کلاتری ۱۰۹ بهارستان، مأموران را برای بررسی جسد سوخته‌ای که با ضربات چاقو به قتل رسیده و سپس سوزانده شده بود، به خانه محل سکونتش کشاند.

تحقیقات کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی از همسر و خانواده همسر مقتول آغاز و درنهایت با دستگیری زنی به‌نام نسرين، به‌عنوان متهم، ختم شد. بررسی پیام‌های ردیودل‌شده میان نسرين و همسر متوفی از رابطه عمیقی خبر می‌داد که به دور از چشم مقتول مدت‌ها بود بین آنها شکل گرفته بود.

نسرين زنی تحصیل‌کرده، کارمند، مطلقه و عاشق خواندن رمان بود... او بعد از چندین‌روز بازداشت و بازجویی، بالاخره دست از مقاومت برداشت و لب به اعتراف گشود: «داوود را از سال‌ها پیش و زمانی که هر دو مجرد بودیم، دوست داشتم و او نیز به من علاقه‌مند بود، اما هیچ‌وقت برای ازدواج با من اقدامی نکرد تا من به شکل سنتی و با اصرار خانواده‌ام ازدواج کردم و وقتی کار از کار گذشت شنیدم داوود گفته اگر نسرين صبر می‌کرد، حتما به خواستگاری‌اش می‌رفتم. تلخی شنیدن این خبر تا سال‌ها گوشه‌ای از ذهنم نشسته بود، باوجود این خواستم به زندگی مشترکی که سرنوشت برایم مقدر کرده بود تن دهم، اما همسر مردی هوس‌باز و لاابالی بود و خیانت‌های مکررش اجازه دلگرم‌شدن به زندگی را به من نمی‌داد و درنهایت کار به جدایی انجامید.

مدتی بعد داوود وارد زندگی‌ام شد. می‌دانستم رابطه خوبی با همسرش ندارد، مادرش را به خواستگاری‌ام فرستاد و قول داد ازدواج پنهانی‌مان خیلی طول نکشد و خیلی زود پس از جدایی از همسرش زندگی مشترک‌مان را آغاز کنیم، اما کم‌کم متوجه شدم خبری از طلاق نیست و من باید همچنان همسر موقت پنهانی‌اش بمانم و زندگی مشترک او نیز در جریان باشد. حسادت، تمام وجود را پُر کرده بود. دلم نمی‌خواست بعد از سال‌ها انتظار باز هم عشق گدشته‌ام را با کسی قسمت کنم یا از دست بدهم. آن‌قدر مستاصل و ناامید شده بودم که بالاخره تصمیم گرفتم با قتل، تمام موانعی که بر سر راه خوشبختی‌ام می‌دیدم، از سر راه بردارم. به‌دلیل نسبت فامیلی‌ای که بین من و خانواده داوود بود، با وجود شک همسرش به‌راحتی به خانه‌شان رفت‌وآمد می‌کردم و به‌دلیل همین آمدوشد، سرقت کلید خانه‌شان کار سختی نبود. فردای همان روز که کلید را سرقت کردم، صبح زود به آنجا رفتم و چاقویی را روی میز ناهارخوری گذاشتم.

می‌دانستم همسر داوود برای رساندن فرزندش به مدرسه رفته است. از روی کنجکاوی مشغول گشتن وسایل خانه شدم که یک‌دفعه همسرش را در برابر خود دیدم و درگیرِ فیزیکی بین ما آغاز شد و دراین‌میان چاقو به دست من افتاد و برای رهایی خودم، چند ضربه به او زدم و خواستم از خانه خارج شوم که پایم را گرفت و مجبور شدم، بازهم با چاقو ضربه‌ای به او بزنم و بعد از ترس به‌جا ماندن آثار جرم، به انباری رفتم و مقداری مواد آتش‌زا پیدا کردم و روی جسد ریختم و از خانه خارج شدم».

این پرونده از موضوعات قابل تامل است که باید به ریشه‌یابی علت‌های وقوع آن پرداخت. عدم پایدنی به زندگی مشترک و جریحه‌دارکردن اعتماد همسر اول و احساسات همسر دوم، موجب رقم‌خوردن حوادث تلخی چون این حادثه می‌شود. گاهی ناکامی در تحقق رویاهای ناپخته دوران بلوغ و نوجوانی و شکست‌های مکرر عاطفی، فرد را در شرایطی قرار می‌دهد که عواطف و هیجانات را جایگزین عقلانیت می‌کند تا انتقام شکست‌هایی که ناشی از تصمیمات اشتباه خود بوده را از دیگران بگیرد و به‌جای اصلاح شرایط زندگی خویش و کمک‌گرفتن از مشاوران آگاه و مورد اعتماد، به رویاپردازی روی آورد و کم‌کم آن‌قدر تصویر خوشبختی فرضی برای وی پررنگ می‌شود که جایگزین واقعیت شده و قوه قضاوت از وی سلب می‌شود و در این شرایط، تن به هر عملی می‌دهد تا به زندگی خیالی خود با فرد مورد علاقه‌اش برسد.

یک سمت دیگر این ماجرا مردی است که به‌جای ترمیم زندگی مشترک خود به رابطه پنهانی با نسرين رو آورده است و با وعده ازدواج با او و طلاق همسرش، حسادت و اشتیاق زاننه متهم را برای تصاحب زندگی‌ای که حق خود می‌داند، بر می‌انگیزد و خواسته و ناخواسته متهم را در مسیر ارتکاب به قتل عمد رقیب، قرار می‌دهد.

● **مسئول مرکز مشاوره و مددکاری پلیس آگاهی قاتب**

شرق: ازدواج اجباری و بچه‌دارشدن، دو عاملی بود که زن متهم به قتل در جلسه دادگاه به‌عنوان علت اصلی برقراری رابطه با پسرعمو و قتل شوهرش عنوان کرده است. به گزارش خبرنگار ما، این زن ۳۴ ساله به نام فرزانه اتهام مشارکت در قتل شوهرش را رد کرد، اما پذیرفت با وارد آوردن ضربات جسم سخت قتل او را تسهیل کرد. نماینده دادستان در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد ضمن معرفی فرزانه و پسرعمویش، جواد به‌عنوان دو متهم پرونده، جزئیات قتل را توضیح داد. وی گفت: «متهمان ابتدا با هم رابطه نامشروع برقرار کردند و سپس سعید -شوهر فرزانه- را که مانع این ارتباط می‌دانستند به قتل رساندند. آنها در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کردند و جزئیات را شرح دادند. متهمان بعد از خفه‌کردن مقتول جسد، او را به حوالی چرچک ورامین بردند و رها کردند. این قتل در تاریخ ۲۲ اسفند سال ۹۱ اتفاق افتاد و مأموران بعد از بازداشت فرزانه، پسرعموی او جواد را شناسایی و بازداشت کردند». او ادامه داد: «فرزانه برای به قتل‌رساندن مقتول ترامادول، متادون و سیانور را در لیوان دوغ حل کرد و به شوهرش خواند. سپس با همدستی جواد، او را خفه کرد. با توجه به اینکه

بازپرس معتقد به مشارکت بود و دادیار، اتهام فرزانه را معاونت در قتل تشخیص داد، دادگاه عمومی پرونده را بررسی کرد و اتهام مشارکت را برای فرزانه موردتایید قرار داد. بنابراین، براساس کیفرخواست صادره درخواست صدور حکم مجازات برای متهمان دارم». در ادامه وکلای اولیای‌دم به نمایندگی از موکلانشان برای متهمان درخواست قصاص کردند. سپس نوبت به جواد -متهم ۱۹ ساله- رسید. او اتهام قتل، رابطه نامشروع و شرب خمر را قبول کرد و گفت: «فرزانه، دخترعموی من بود، ما ارتباط خانوادگی داشتم اما بعد از مدتی به‌صورت خصوصی با من تماس می‌گرفت و از مشکلات زندگی‌اش می‌گفت. کم‌کم به من نزدیک‌تر شد و گفت از من خوشش می‌آید و شوهرش، او را درک نمی‌کند. او حتی اقدام به خودکشی هم کرده بود. فرزانه به من ابراز علاقه کرد و گفت می‌خواهد با من رابطه داشته باشد، سپس موضوع قتل شوهرش را مطرح کرد، به من گفت بیا او را با هم بکشیم. من ابتدا فطره رفتم اما بعد از چند بار گفتن او، بالاخره قبول کردم. روز حادثه قبل از اینکه وارد خانه مقتول شوم مشروب خوردم، بعد فرزانه به من گفت می‌توانم وارد خانه شوم. داخل که رفتم دیدم شوهر فرزانه خیلی وضعیّت خوبی ندارد و تلوئلو

حوادث

جنایت، پایان ازدواج اجباری

می‌خورد. فرزانه گفت به او دارو داده است. بچه فرزانه در اتاق بود، مقتول وارد اتاق دیگر شد و من و فرزانه از پشت به او حمله کردیم و با ظرف مسی به سرش کوبیدیم. او به سمتم برگشت و با من درگیر شد. فرزانه دم‌ام به سرشوهرش می‌کوبید، بعد یک تکه لباس از تنش دور کردن مقتول پیچیدیم و دو نفری او را خفه کردیم. دهانش را هم گرفتیم تا فریاد نزند». سپس متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد. او اتهام مشارکت در قتل را رد کرد و گفت: «۱۳ ساله که بودم پدرم به زور من را به عقد مردی درآورد. ما رابطه خوبی با هم نداشتیم و مدتی بعد هم آن مرد به دلیل اینکه من بچه‌دار نمی‌شدم، طلاقم داد. بعد به خاطر فشارهای خانواده و جامعه مجبور شدم با مرد دیگری ازدواج کنم. به آن ازدواج هم رضایتی نداشتم. شوهرم می‌دانست من بچه‌دار نمی‌شوم. ما تصمیم گرفتیم بچه‌ای را به عنوان فرزندخوانده بیاریم و بزرگ کنیم. چند سال با شوهر دومم زندگی کردم اما با او هم رابطه خوبی نداشتم؛ چون اعتیاد داشت و اصلا به من توجهی نمی‌کرد، ضمن اینکه دیگر نمی‌توانستم طلاق بگیرم؛ هم بچه‌ای را به فرزندنی قبول کرده بودم و هم اینکه خانواده‌ام من را طرد می‌کردند. فشارهای شدیدی را تحمل می‌کردم به همین دلیل هم وقتی پسرعمویم که ۱۳

مدار کی برای اثبات همسر کشی



فرزانه

و مشخص شد این زن به‌علت نارسایی تنفسی و متعاقب آن خفگی ناشی از انسداد مجاری هوایی، جان باخته است. کارآگاهان در پی اعلام نظریه پزشکی قانونی که بر وقوع جنایت دلالت داشت، تحقیقات ویژه از همسایگان، اعضای خانواده مقتول، بررسی محل زندگی لعی‌ا و... را در دستور

سال از من کوچک‌تر بود، ابراز علاقه کرد رابطه با او را قبول کردم، هرچند می‌دانستم این رابطه راه به جایی نمی‌برد. بعد مسئله قتل شوهرم پیش آمد، روز حادثه هم وقتی جواد وارد خانه شد و با شوهرم درگیر شد من هم به او کمک کردم». متهم ادامه داد: «من با کاسه مسی به سرشوهرم کوبیدم که پسرعمویم را نجات دهم اما خفگی به دست جواد اتفاق افتاد و من کاری نکردم. بعد از مرگ هم لباس‌هایش را عوض کردیم و جسد را به سمت چرچک بردیم. با ماشین شوهرم جسد را حمل و آن را رها کردیم. هرچند من اعلام فقدان کردم و به پلیس گفتم شوهرم فوت شده اما آنها همه‌چیز را فهمیدند».فرزانه درباره سرنوشت کودکی که به فرزندخواندگی قبول کرده است، گفت: ما این بچه را از کسی به صورت غیرقانونی گرفته و پول داده بودیم، بعد از دستگیری من، بچه را به بهزیستی تحویل دادند و او حالا در پرورشگاه نگهداری می‌شود. هیات قضات با پایان جلسه رسیدگی، برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند و جواد را در هرسه اتهام مجرم شناخته و به قصاص و ۱۷ ضربه شلاق محکوم کردند و فرزانه را از اتهام مشارکت در قتل تبرئه و به جرم معاونت در قتل به ۱۵ سال حبس و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند.

● **فرمانده انتظامی استان اصفهان**
این یافته‌ها ثابت می‌کرد ادعای شوهر مقتول درباره بازبودن در ورودی صحت ندارد.

تحقیقات کارآگاهان همچنین نشان داد همسر مقتول، هر روز صبح ساعت ۶:۳۰، برای رفتن به محل کارش، واقع در جاده قدیم تهران-کرج، از خانه خارج می‌شد. درحالی‌که او ادعا می‌کرد روز حادثه خواب مانده و ساعت ۸:۳۰ با زنگ تلفن همراه خود بیدار شده است. این مرد ۴۲ساله که سعید نام دارد در تحقیقات اولیه، منکر پاسخ‌گویی به تلفن همراه خود شده بود، اما در ادامه تحقیقات اظهارات ضدوتقیضی دراین‌باره بیان کرد. سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اشاره به اینکه دلایل و مدارک دیگری نیز در طول تحقیقات تخصصی به‌دست آمده است، درباره این پرونده گفت: با وجود ادعای همسر مقتول مبنی بر بی‌گناهی و با توجه به دلایل، شواهد و مستندات و همچنین اظهارات متناقض ارائه‌شده از سوی این شخص، دستور بازداشت موقت توسط مقام قضائی برای سعید، به‌عنوان متهم اصلی پرونده، صادر شد و متهم به‌همراه کیفرخواست صادره از سوی بازپرس پرونده در اختیار مرجع قضائی قرار گرفت.

● **فرمانده انتظامی استان اصفهان**
این یافته‌ها ثابت می‌کرد ادعای شوهر مقتول درباره بازبودن در ورودی صحت ندارد.

جایی دیگر بوده است. ضمن اینکه او شاهدانی نیز معرفی کرد. او مدتی بعد از حادثه متوجه قتل زن تنها شده و خانواده‌اش این را تایید کردند. ضمن اینکه خانه‌اش بازرسی شد و چیزی پیدا نشد. نبود مدارک باعث شد تو در آخرین دفاعیات در مرحله بازجویی به قتل اعتراف کنی. گفته‌ای به‌دلیل عذاب وجدان شدیدی که داری، به قتل اعتراف می‌کنی و نحوه کشتن متهم را هم توضیح دادی، اما دوباره ادعای قبلی را مطرح می‌کنی. اگر گفته‌های قبلی‌ات درست است، اولاً چرا در آخرین دفاعیات حرف دیگری زدی و دوم اینکه چرا ردیابی‌های مأموران، ادعای کاظم را تایید کرده است؟ متهم پاسخ داد: «گفته‌هایم در مرحله دادرسا درست بود. اما زمان آخرین دفاع در وضعیت روحی بدی بودم، به همین دلیل چنین ادعایی را مطرح کردم. ضمن اینکه من نمی‌دانم چرا ردیابی‌ها حرف مرا تایید نکرده است. کاظم زمان حادثه کنار من بود و او قتل را مرتکب شد. بعد هم به من گفت زن تنها را کشته است». بعد از پایان گفته‌های متهم وکیل‌مدافع او در جایگاه حاضر شد و دفاعیات خود را مطرح کرد. هیات قضات با پایان جلسه رسیدگی برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.



سقوط هواپیمایی کوچک، در بزرگراهی در شهر آتلانتای آمریکا، موجب کشته‌شدن هر چهار سرنشین آن و بسته‌شدن هشت‌ساعته این شاه‌راه اصلی شد. هواپیمای کوچک، لحظاتی پس از بلندشدن، به‌علت نقص فنی، پس از برخورد با کامیون منفجر شد. در این حادثه سه‌مرد و یک زن که همگی از سرنشینان هواپما بودند، کشته شدند. امدادگران با ابراز تعجب از اینکه حادثه رخ‌داده به هیچ‌ک از سرنشینان خودروهای در حال تردد آسیب نرسانده است، این اتفاق را نوعی معجزه خواندند.

رخداد

خودسوزی دختر دانشجو

● **یک دانشجوی دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز** اقدام به خودسوزی کرد. به گزارش مسئولان دانشگاه، این دانشجو در محلی خارج از دانشگاه اقدام به خودسوزی کرد و درحال‌حاضر، در بیمارستان قطب‌الدین شیراز بستری است. درصد سوختگی وی بالا گزارش شده است.

نجات اعضای خانواده مفقودشده در کوهستان

● **سرپرست جمعیت هلال احمر** دزفول گفت: خانواده ۹نفرهای که روز جمعه در منطقه کوهستانی شمال دزفول مفقود شده بودند، با کمک اهالی پیدا شدند. اعضای این خانواده که صبح جمعه پیاده از مسیر روستای بوالحسن عازم پیر هفت‌تان در بخش سردرشت دزفول بودند، به دلیل ناآشنایی با مسیر، گم و در منطقه سرگردان شدند. عبدالعظیم رضای‌مرساقی به ایرنا گفت: طبق اطلاعات به‌دست‌آمده این خانواده شامل سه زن، دو کودک و چهار مرد بودند که در تماسی خبر مفقودشدن آنها به جمعیت هلال احمر دزفول اعلام شد. سرپرست جمعیت هلال احمر دزفول اظهار کرد: به‌دنبال این حادثه یک گروه از نیروهای هلال احمر عازم منطقه شدند، ضمن اینکه هم‌زمان باالگردی هم درخواست شد که به‌دلیل تاریکی هوا، پرواز باالگرد میسر نشد. سرپرست جمعیت هلال احمر دزفول گفت: طبق اطلاع به‌دست‌آمده، با کمک اهالی و نیروهای بسیج، افراد سرگردان در منطقه کوهستانی سرشت دزفول پیدا و به روستا منتقل شدند. وی حال عمومی این افراد را خوب گزارش کرد.

کلاهبرداری به‌بهانه سرمایه‌گذاری در بورس

● **فرمانده انتظامی استان اصفهان** از دستگیری اعضای باندی خبر داد که با تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری در بورس به بهانه پرداخت سود بالغ بر ۵۸ میلیارد ریال، از مردم کلاهبرداری کرده بودند. سردار «عبدالرضا آقاخانی» گفت: کارآگاهان در پی شکایت یکی از شهروندان از صاحب شرکت سرمایه‌گذاری در بورس مبنی‌بر کلاهبرداری از وی، تحقیقات را آغاز کردند و مشخص شد متهم با تأسیس شرکت سرمایه‌گذاری در شهر اصفهان اقدام به جذب سرمایه‌های مردمی به‌منظور خریدوفروش سهام بورس اوراق بهادار در بازار بورس ایران کرده، اما مبالغ سرمایه‌گذاری را در بازار فارکس (بورس بین‌الملل) وارد کرده است. فرمانده انتظامی استان اصفهان با بیان اینکه متهم از شاکی مبلغ ۵۹۰ میلیون تومان دریافت کرده و قول مساعد در پرداخت ۲۵ درصد سود ماهانه به وی داده بود، عنوان کرد: این شخص نته‌تها سودی به شاکی پرداخت نکرده بود، بلکه اصل سرمایه را نیز به وی بازنگردانه و متواری شده بود. این مقام انتظامی تصریح کرد: سرانجام با اقدامات ویژه و تخصصی کارآگاهان پلیس آگاهی، ابتدا فردی که مبالغ به حساب وی واریز شده بود در عملیاتی غافلگیرانه در شهر اصفهان دستگیری و پس از آن متهم اصلی نیز بازداشت شد. وی بیان کرد: متهم اصلی پرونده در تحقیقات صورت‌گرفته با اعتراف به کلاهبرداری ۵۸ میلیارد ریالی از ۵۴ نفر به بهانه پرداخت سود ماهانه به آنان اقرار کرد. سردار آقاخانی با بیان اینکه فرد سومی نیز در این پرونده دستگیر شده است، عنوان کرد: تاکنون ۲۰ نفر از متهمان شکایت کرده‌اند و در این زمینه پرونده تشکیل شد و عاملان کلاهبرداری به مراجع قضائی معرفی شدند.

سرفت با استفاده از تاکسی

● **فرمانده انتظامی کرمانشاه** از دستگیری و دستگیری شدن باند سارقان به عنف و دستگیری سه مرد و یک زن که با استفاده از تاکسی سرفت می‌کردند، خبر داد. سرتیپ «منوچهر امان‌اللهی» گفت: در پی وقوع چند فقره سرفت به عنف در سطح شهر کرمانشاه، بر شناسایی و دستگیری سارقان به عنف تاکید و در اقدامات اولیه اطلاع حاصل شد، متهمان با استفاده از تاکسی پراید، زنان را سوار و پس از طی مسیری با تهدید سلاح سرد، اقدام به انتقال طعمه خود به خارج از شهر می‌کنند و سپس وجه نقد و زیورآلات آنها را می‌دزدند. وی گفت: با اطلاعات به‌دست‌آمده مشخص شد این باند متشکل از سه نفر مرد و یک زن است. سپس محل سکونت سرکرده باند در یکی از شهرک‌های اطراف کرمانشاه شناسایی و او پس از درگیری با مأموران دستگیری و خودروی وی نیز توقیف شد. وی ادامه داد: متهم در تحقیقات به‌عمل‌آمده منکر هرگونه سرفت شد، ولی با توجه به دستگیری دیگر همدستان وی در عملیات دیگری و اعتراف آنها به سرقت و انجام مواجهه حضوری با مال‌باختگان، چاره‌ای جز اعتراف نداشت. سردار «امان‌اللهی» افزود: متهمان به ۲۱ فقره سرفت به عنف که ۱۷ فقره از آن در سال‌های قبل با شیوه‌های دیگر انجام شده بود و چهار فقره سرفت در سال جاری با استفاده از تاکسی اعتراف کردند. امان‌اللهی گفت: سرکرده باند قبلا به تحمل ۱۲ سال زندان محکوم، اما متواری شده بود و مدت سه سال تحت تعقیب مرجع قضائی و پلیس بود.